

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اربعین حسینی

گذرگاه بهشت و جهنم

از یانات مرج عالیقدر

حضرت آیت الله العظمی حاج سید صادق حسینی شیرازی دام ظلته

اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

از بیانات مرح عالمیدر

حضرت آیت الله العظمی حاج سید صادق حسینی شیرازی دامت ظلته

❖ به اهتمام: مؤسسه فرهنگی - مذهبی رسول اکرم صلی الله علیه و آله - کربلای معلی

❖ چاپ: اول /

❖ تیراژ: ۱۰۰۰۰

فهرست

- ۸ خطبه حضرت زهرا علیها السلام
- ۱۰ بستن راه تشکیک
- ۱۵ اربعین حسینی در میانه قرن پیشین
- ۲۱ چرا جوازهای شما آری، ولی جوازهای ما نه
- ۲۷ زمستان می‌گذرد و سیاهی به زغال می‌ماند
- ۳۲ برگهایی از جنایات‌های عثمانیان به زائران حسینی
- ۳۵ مقایسه‌ای میان حج و زیارت کربلا
- ۴۴ ترویج خطبه حضرت زهرا علیها السلام
- ۴۷ معضلات ازدواج و طلاق
- ۵۱ حسینیه‌ها را مدرسه کنید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
الحمد لله رب العالمین والسلام والصلاة علی محمد
وأهل بیته الطیبین الطاهرین^۱

شهادت جانگداز اشرف کائنات، برترین انبیاء و اشرف مخلوقات خدای متعال از اولین تا آخرین، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و شهادت حضرت امام رضا علیه السلام را، که هر دو در این واپسین ایام ماه صفر الأحزان روی داد، به ساحت مقدس و مقام رفیع و منیع ولایت کبری و ولایت عظمای الهی، حضرت بقیه الله الأعظم مهدی موعود علیه السلام تعزیت می گوئیم. ناگفته نماند که قول أصح در شهادت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام هفتم صفر است.

امیدوارم خدای عزوجل در تعجیل ظهور حضرت بقیه الله علیه السلام، عنایت ویژه و آن را در زمانه ای که ما در آن هستیم محقق

۱ . بیانات مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی رحمته الله علیه

در اجتماع عزاداران به مناسبت شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (۲۸ صفر الأحزان ۱۴۴۳).

۸..... اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم
بفرماید. در روایت آمده است که امر ظهور حضرت یک شبه
نهایی می‌شود. «یصلحه فی لیلۃ» به این معنی که در یک شب
بنا می‌شود که فردای آن، حضرت ﷺ ظهور کند.

جهانی که در آن به سر می‌بریم، به انواع ظلم‌ها و جنایت‌ها
آلوده است. هرچند دنیا از قدیم کماکان از جرم و تعدی بشر
خالی نبوده است، اما زمانه ما بیش از هر زمان دیگری آغشته
به ظلم و بدی شده است. ظلم حکومت‌ها، ظلم‌های
خانوادگی، ظلم ارحام نسبت به یکدیگر و خیلی موارد دیگر.
امیدوارم که هرچه زودتر ظهور حضرت ﷺ تحقق یابد و به
همه این ظلم‌ها خاتمه دهند.

خطبه حضرت زهرا علیها السلام

چندی پس از شهادت پیامبر خدا ﷺ، حضرت فاطمه
زهرا علیها السلام به مسجد پدرشان تشریف آوردند و آن خطبه غزای
خود را ایراد فرمودند. در آن مجلس علی الظاهر از غیرمسلمانان
[از یهود و نصاری و غیرذلک] کسی حضور نداشت. همگی

خطبه حضرت زهرا.....۹

حاضران از مسلمانانی بودند که دعوت رسول خدا ﷺ را پذیرفته بودند، خواه این پذیرش از صمیم قلب و مبتنی بر ایمان صادقانه آن‌ها بوده یا اینکه ظاهری بوده و مصالح و منافع دنیایی را دنبال می‌کردند.

این دسته دوم منافقان بودند که شمار آن‌ها در آن زمان به شهادت تاریخ اندک نبوده است. با این حال حضرت خطابه خود را با تعبیر «یا ایها الناس» آغاز نمودند، و در آن خطبه نه فقط مسلمانان حاضر در آن جمع، بلکه همه مسلمانان تاریخ و بل فراتر از آن، همه انسان‌ها را در همه ادوار تاریخ فراخواندند. حقایقی که حضرت در آن خطبه ارزشمند بیان فرمودند اهمّ احتیاجات معنوی و دینی و خیر دنیا و اخرای بشر را در خود گنجانیده بود. با این توصیف، اگر کسی چه امروز و چه در گذشته در آن تشکیک کند و ایراد بگیرد، یا جاهل است و یا متجاهل (تظاهر به نادانی می‌کند) و به تعبیر دیگر، یا قاصر است و یا مقصر. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در خطبه خود علاوه

۱۰ اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

بر اشاره به بسیاری از حقایق دین، مرز دقیق اسلام و ایمان را مشخص نمودند و حجت را بر همگان تمام ساختند.

بستن راه تشکیک

حضرت زهرا علیها السلام به مسجد تشریف بردند و خطبه خود را بیان فرمودند. در این میان ما نیز وظیفه‌ای در خصوص خطبه ایشان و معارف مطرح شده در آن داریم.

وظیفه ما رسانیدن آن خطبه به مردم دنیاست که در آغاز آن با «یا ایُّهَا النَّاسُ» مورد خطاب حضرت هستند. در هیچ زمانی همانند امروز وسایل و امکانات این مهم فراهم نبوده است. حضرت سیدالشهدا علیه السلام برای چه در روز عاشورا به همراه خویشان و یارانش به شهادت رسیدند و در پس آن، دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و نوامیس خدای عزوجل به آن وضع فجیع به اسارت رفتند؟! که چه پیامی را به مردم برسانند؟ عاشورا بی شک پیام و هدفی به دنبال داشته است و حضرت سیدالشهدا علیه السلام و اهل بیت و انصار او علیهم السلام در راه رسانیدن آن پیام به گوش جهانیان، آن همه رنج

بستن راه تشکیک ۱۱

و محنت را به دوش کشیدند و خون پاک خود را در این راه فدا کردند. آن همه رنج های فراوان که اهل بیت ایشان در راه اسارت دیدند و آن همه داستان های غریبی که در این مسیر نقل شده است، مثل داستان آن راهب، تا حضورشان در مجلس یزید و افشاگری او، همه و همه هدف بلند و مهمی را دنبال می کند.

آیا ما در برابر این همه مجاهدت و ایثار و وظیفه ای نداریم؟! بی گمان چنین نیست. رسانیدن پیام آن ها به مردم دنیا، به ویژه با امکانات گسترده ای که امروزه در دست داریم، وظیفه ما در این راستا است. این کار بسته به یک چیز است و آن نیز همت بلند است. از تلاش هایی که در این زمینه درخور انجام است، ترجمه خطبه حضرت زهرا علیها السلام به زبان های زنده دنیا است. این خطبه چندان بلند نیست و ترجمه آن، با وسایل جدیدی که امروزه در اختیار است، کار دشواری به نظر نمی آید؛ چراکه امروزه غالب مردم دنیا به ماهواره و اینترنت دسترسی دارند.

درخور توجه است که حضرت زهرا علیها السلام خطبه خود را این

۱۲ اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

گونه آغاز فرمودند: «یا اَیُّهَا النَّاسُ، اَعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَأَبِي مُحَمَّدٍ؛ ای مردم، بدانید که من فاطمه‌ام، و پدرم حضرت محمد ﷺ». آیا دیگر حاضران در آن مجلس حضرت را نمی‌شناختند؟ آیا مگر نه آنکه حضرت با خیر سابق به مسجد آمدند و حاضران همگی از وجود ایشان آگاه بودند و با اصل و نسب شریف او نیز آشنا بودند؟ پس ضرورتی در کار بود که به معرفی خویش بپردازند؟ اهل مطالعه و صاحبان اطلاع، به خوبی با دلیل این رفتار حضرت آگاه‌اند.

اهل باطل از گذشته تاکنون همواره یکی از دو شیوه را برای پیش بردن مقاصد و توجیه کارهای نادرست خود در پیش گرفته و می‌گیرند، یا به دروغ متوسل می‌شوند و یا مغالطه می‌کنند. راه سومی هم در اختیار ندارند. از این رو، حضرت برای اینکه راه دروغ و مغالطه را به روی آن‌ها ببندد، در آغاز خطبه خود نسب خویش را به حاضران یادآور می‌شود، مبادا که بعدها کسی ادعا کند که حاضران در مجلس که در آن روزها شاهد آن تعدی‌های

بستن راه تشکیک ۱۳

هولناک به خاندان وحی و رسالت شدند، به حقیقت آگاهی نداشتند و متوجه مقام و جایگاه حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ و شوهر گرامی اش امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ نشده بودند.

حضرت در همان آغاز و پیش از آنکه خطبه خود را شروع کنند آهی از ته دل کشیدند. آه حضرت چنان سوزان بود که در روایت آمده است: «أَجْهَشَ لَهَا الْقَوْمُ بِالْبُكَاءِ؛ صدای هق هق گریه مردم برای او بلند شد».

«أَجْهَشَ» جای مطالعه دارد. گریه‌ها انواع گوناگونی دارند. گاهی کسی بر اثر مصیبت عظیمی که بر او وارد شده است، یا خیر ناگواری که به گوشش رسیده است، بی اختیار شروع به گریه کردن می‌کند و آنقدر گریه او شدت می‌گیرد و احساساتش متأثر می‌شود که در حین گریه به حالتی همچون سسکه می‌افتد و هق هق کنان گریه اش قطع و وصل می‌شود. این حالت که حاصل تأثر شدید فرد است، در زبان عربی با فعل «أَجْهَشَ» توصیف می‌شود.

۱۴ اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

همه این صحبت‌ها، خاصه آنکه خود را در آغاز خطبه‌اش برای حاضران معرفی کرد، در راستای صیانت پیامش از دروغ و مغالطه اهل باطل بود که مبادا بعدها منکر حضرت عَلَيْهِ السَّلَام و دعوای بر حقش شوند.

در گام نخست و در نخستین جملات حضرت عَلَيْهِ السَّلَام این درس بزرگ دست‌گیر ما می‌شود که در هر آن، از دروغ‌پردازی‌ها و مغالطه‌گری‌های دشمنان ایمن نباشیم. اهل باطل در طی هزاران سال بر این شیوه عمل کرده‌اند. در تاریخ هزار و چند صد ساله اسلام نمونه‌های دروغ‌پردازی‌ها و سیاهکاری‌های دشمنان آنقدر زیاد است که جمع‌آوری همه آن‌ها سر از کتابی پربرگ در می‌آورد و تعداد جلدهای آن بسیار خواهد شد. اگر جوانان عزیز در این زمینه همت کنند و دنبال گردآوری دروغ‌های اهل باطل و دعوای کذب آن‌ها شوند، خدا می‌داند که شمار مجلدات این کتاب از صد جلد افزون‌تر خواهد شد.

اربعین حسینی در میانه قرن پیشین ۱۵

اربعین حسینی در میانه قرن پیشین

اربعین حسینی امسال را نیز از سر گذرانیدیم، اما چه اربعینی؟!
اوضاع زائران اربعین در ایران و در عراق و حتی کشورهای اسلامی
دیگر و حتی کشورهای غیراسلامی به چه نحو بود و با چه
دشواری‌ها و مشقت‌هایی توانستند خود را به این زیارت برسانند؟
اینها همه جای تأمل دارد و حرف در آن بسیار است. اما آنچه
به اختصار می‌توان گفت مسأله‌ای است که نه فقط درباره اوضاع
ناخوشایند برخی زائران حضرت سیدالشهدا علیه السلام در اربعین امسال
صادق است، بلکه در هزاران جای دیگر و اوضاع دیگر نیز قابل
انطباق است، و آن کلام خدای متعال در قرآن کریم است که
فرمود: «فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ»^۱ دسته‌ای در بهشت
هستند و دسته‌ای در جهنم».

قریب به هزار و چهارصد سال زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام

۱. تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۱۴.

۱۶ اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

همواره با ترسیم مکرر تصویر فوق همراه بوده است. عده‌ای در این زیارت‌ها بهشتی شده‌اند و عده‌ای دیگر جهنم را سرای خود برگزیده‌اند. بارها در فرمایش‌های ائمه معصومین علیهم‌السلام در خصوص گروه دوم و در رابطه با زیارت حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام آمده است: «فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ؛ جایگاه خود را در آتش جهنم بر می‌گزینند».

«يَتَّبِعُوا» یعنی «ی‌حجز مکانه». در اینجا یعنی جا و سرای زندگانی خود را در آن جهان جهنم سوزان اختیار می‌کند.

در اینجا برای روشن‌تر شدن موضوع جا دارد قصه‌ای را بیان کنم که بنده و کسانی که هم سن من هستند و در عراق می‌زیستند عموماً به خاطر داریم. برخی از پیرمردهای ایرانی هم چه بسا که این داستان به گوش آن‌ها رسیده باشد. قصه به زمان فروپاشی حکومت پادشاهی ملکین عراق و ابتدای تأسیس حکومت جمهوری در این کشور باز می‌گردد. قضیه مربوط به حدود صدسال پیش و پیمان بغداد (حلف بغداد)

اربعین حسینی در میانه قرن پیشین ۱۷

است که میان آمریکا و انگلیس و چند کشور مهم خاورمیانه همچون ایران و عراق بسته شد. در این پیمان کشورهای غربی مذکور در پی نفوذ کمونیسم در کشورهای خاورمیانه مثل ایران و عراق بودند. در این پیمان، مواردی را اطراف مختلف آن متعهد می شدند و در عوض از حمایت آمریکا و انگلیس و دیگر کشورهای طرف قرارداد برخوردار می گردیدند. طولی نینجامید که این پیمان به ویژه در میان دو کشور ایران و عراق بی فرجام ماند و طرفین از تعهد به آن روی برگرداندند. آن دوره مصادف شده بود با براندازی حکومت پادشاهی و انقلاب عراق که دست آخر انقلابیون، عراق را به ریاست فیصل قاسم به صورت جمهوری اداره کردند و به پیمان بغداد پایبند ماندند. در جریان اختلاف های میان دو کشور، عراق به ملت خود به جز عده معدودی ویزای سفر به ایران نمی داد. ایران هم در مقابل گذرنامه برای زیارت عتبات را برای مردم خود صادر نمی کرد.

این وضع ناخوشایند در آن برهه برای زائران عتبات مقدسه

۱۸ اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

مشکلات زیادی به وجود آورده بود. با این حال زیارت عتبات به ویژه زیارت اربعین هرگز تعطیل نشد. در همان برهه پر آشوب و روابط متشنج میان دو کشور ایران و عراق خیل عظیمی از مردم ایران به زیارت عتبات مشرف شدند. بنده در آن سال‌ها ساکن کربلا بودم و شاهد بودم که جمعیتی در حدود صد هزار نفر در آن سال از مردم ایران به زیارت کربلا مشرف شدند. این عده همگی با واسطه‌ها و آشناها موفق به اخذ ویزا و گذرنامه شده بودند. حال یا با مسئولان در حکومت ایران آشنا بودند و یا افرادی در داخل دولت عراق جواز این سفر را برای آن‌ها فراهم آورده بودند.

اما در کل با عنوان قاچاق از مرزها عبور می‌کردند و این کار جرم به حساب می‌آمد. هنگامی که مأموران عراقی هم برخی از آن‌ها را می‌گرفتند، آن‌ها را به محکمه قضایی خود می‌بردند. در آنجا نیز جریمه‌ای که محکمه صادر می‌کرد از دو حکم خارج نبود. یا آن‌ها را به صد و پنجاه فلس الی پنجاه دینار جریمه می‌کرد که گفتمی است که صد و پنجاه فلس در آن زمان،

اربعین حسینی در میانه قرن پیشین ۱۹

ارزش پانزده سیخ کباب را داشت. هر سیخ کباب ده فلس بود. پنج دینار هم معادل پنج هزار فلس بود. مجازات دوم حبس از مدت سه روز الی پانزده روز بود، که دست آخر هم زائر را به وطن خود باز پس می فرستادند.

بنده خود از نزدیک شاهد خیلی از این محاکمه‌ها بودم. استانداری کربلا در آن زمان سرایه نام داشت و بنده از نزدیک آن بازداشتگاه‌ها را دیدم. کلا دو اتاق بود که اندازه هریک از آن‌ها از دوازده متر تجاوز نمی کرد. وقتی که من به آنجا رفتم در یکی از آن اتاق‌ها شخصی را حبس کرده بودند، آن هم به جرمی غیر از زیارت قاجاق. در اتاق دیگر هم باز بود و از نی و چیزهای دیگر انباشته شده بود.

حاکم آن وقت کربلا و قاضی آنجا از شیعیان نبود، اما به حضرت امام حسین علیه السلام علاقه داشت. در آن برهه هم علی‌رغم ممنوعیت آمدوشد میان دو کشور ایران و عراق، حدود صد هزار زائر وارد کربلای معلی شده بود.

۲۰..... اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

شرطه، که همان پلیس عراق باشد و همینطور نیروهای امنیتی متوجه حضور قاجاق و غیرقانونی آن زائران می شدند، اما چشم پوشی می کردند و جز در مواردی معدود کسی متعرض زائران نمی شد. گاهی یکی از افراد شرطه یا نیروهای امنیتی که بدجنس و بی وجدان بود، ده، بیست نفر از زائران را دستگیر می کرد و آن ها را برای محاکمه و بازداشت به همان سرایه، اصطلاحاً استانداری آن وقت کربلا می برد. حاکم که شیعه نبود، اما ارادت و علاقه به امام حسین علیه السلام داشت، پلیس یا مأموری که آن زائران ایرانی را برای محاکمه به نزد او آورده بود، دعوا می کرد و به او می گفت: مگر بیکار بودی که اینها را آوردی؟ با این حال حاکم بنا به مسئولیت قانونی اش ملزم به محاکمه آن ها بود. به همین خاطر آن ها را حبس نمی کرد و با قید پرداخت جریمه اندکی آن ها را آزاد می کرد. جریمه را هم غالباً از جیب خودش می پرداخت و پلیس یا مأمور امنیتی را هم که آن زائران را دستگیر کرده بود مفصل مؤاخذه می کرد تا دیگر بار مرتکب آن

چرا جوازهای شما آری، ولی جوازهای ما نه ۲۱

کار نشود. در سامرا و بغداد احتمال آنکه زائران را جریمه کنند بیشتر بود. با این حال از جمعیت صد هزار نفری زائران شاید نهایتاً ده، بیست نفری در گوشه و کنار گرفتار این محاکمه‌ها و جریمه‌ها می‌شدند و از بقیه گذشت می‌کردند.

میردهای امام حسین علیه السلام فقط شیعیانش نیستند، بلکه حاکم و شرطه و مسئولان آن زمان در عراق اکثراً از مریدان و علاقه‌مندان حضرت سیدالشهدا علیه السلام بودند. با آنکه قانون به آن‌ها دستور داده بود که با زائران برخورد کنند و مانع ورود آن‌ها به عتبات مقدسه شوند، اما آن‌ها، جز عده قلیلی که بی‌وجدان بودند، گذشت می‌کردند و متعرض زوّار حضرت نمی‌شدند.

چرا جوازهای شما آری، ولی جوازهای ما نه

مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء رحمته الله یکی از مراجع بانفوذ و مشهور نجف اشرف بود. در آن زمان ده مرجع تقلید در نجف بودند که بنده خدمت همگی آن‌ها بودم و مکرراً از محضر درس برخی از آن‌ها نیز بهره برده بودم. یکی از این

۲۲..... اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

مراجع مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء بود که درخندگی و امتیاز ویژه‌ای داشت. در قصه زیارت سال‌های مقارن با حلف بغداد و مخالفت‌های پیش آمده میان ایران و عراق و ممنوعیت ورود و خروج زائران، ایشان نامه‌هایی را که گاهی اندازه آن‌ها از پهنای کف دست تجاوز نمی‌کرد برای مسئولان عراق می‌نوشت و با تعبیر «إلی من یهّمه الأمر»، یعنی به هر که دست اندرکار این امر است، مخاطبش را فرا می‌خواند. در ادامه نام زائر ایرانی را می‌پرسید و عنوان می‌کرد که «فلان جاء لزيارة العتبات المقدسة، یرجى تسهیل امره»، یعنی فلانی (حامل نامه) برای زیارت عتبات مقدسه تشریف آورده است، تقاضا می‌شود در کار او تسهیل شود.

پیدا است که این نامه برای مسئول خاصی نیست. عنوان «الی من یهّمه الأمر» هر مسئولی که به نحوی دست اندرکار زائران است را در بر می‌گیرد خواه یک مأمور پلیس ساده باشد یا مسئول عالی رتبه کشوری.

چرا جوازهای شما آری، ولی جوازهای ما نه ۲۳

مرحوم کاشف الغطاء در پایان زیر نامه‌اش را امضا می‌کرد و شماره‌اش را هم در آنجا درج می‌کرد و به حامل نامه که زائری ایرانی بود با تأکید می‌گفت اگر مأمور یا کارمندی متعرض شما شد، این نامه را به او نشان دهید. اگر احیاناً توجه نکرد نام او را پیرسید و با این شماره تماس بگیرید و به بنده اطلاع دهید.

چند روزی از نوشتن نامه‌ها گذشته بود که تلفن‌هایی به مرحوم کاشف الغطاء شد و در آن‌ها شکایت‌هایی از برخی کارمندان و مأموران حکومت عراق شد. به چند نفری در بعقوبه اهانت شده بود و برخی از مسئولان عراقی به برگه‌هایی که از مرحوم کاشف الغطاء گرفته بودند، محلی نگذاشته بودند. در بغداد چند نامه از این نامه‌ها را پاره کرده بودند و با وضع اهانت‌آمیزی زائران را حبس و جریمه کرده بودند و همین‌گونه مواردی هم از سامرا به مرحوم کاشف الغطاء تلفن شد که راه را بر زائران بسته‌اند و به برگه دست نوشت مرحوم هم توجهی نکردند.

مرحوم کاشف الغطاء در صحن امیر مؤمنان علیه السلام مقابل

۲۴..... اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

در ساعت، نماز جماعت می خواندند. هنگام تشریف به کربلای معلی نیز در صحن در قبله امام حسین علیه السلام نماز می خواندند. بنده از نزدیک بارها ایشان را زیارت کردم. نخست وزیر عراق، نوری سعید بود که شخصی پرنفوذ نه تنها در عراق آن روز، بلکه می گفتند در همه خاورمیانه مطرح بود. نوری سعید هم از طرفداران حلف بغداد بود. همانگونه که گفته شد در جریان امور سیاسی آن سال ها روابط ایران و عراق کدر شده بود و هر دو کشور به هموطنان خود اجازه مسافرت به کشور همسایه را نمی دادند.

مرحوم کاشف الغطاء پس از رسیدن تعدادی تلفن و شکایت از کارمندانی که با زائران همکاری نمی کردند با نوری سعید تماس گرفت. نقل کرده اند که در این مکالمه بی آنکه سلام و کلمات احترام آمیزی به نوری سعید بگوید با همان لهجه عامیانه عراقی گفت: «لیش جوازاتکم تمشي، جوازاتنا لا تمشي؟!». جواز معادل عربی گذرنامه است. ایشان برگه هایی را که با دست خود می نوشت نام جواز نهاده بود و با لحنی آمیخته به عتاب و دلخوری به نوری

چرا جوازهای شما آری، ولی جوازهای ما نه ۲۵

سعید گفت: چگونه است که جوازهای شما معتبر است ولی

به جوازهایی که ما می‌دهیم ترتیب اثر داده نمی‌شود؟!

نوری سعید که متوجه دلخوری مرحوم کاشف الغطاء شده بود

گفت: شیخنا شنهو؟ (شیخ چه شده). کاشف الغطاء گفت:

میان حکومت شما با دولت ایران هرازگاهی مشکلی پیش می‌آید

و در این میان مردم هر دو کشور بی‌اطلاع و بی‌طرف‌اند،

چه هنگامی که با هم در صلح و سازش هستید و چه در مواردی

که با هم اختلاف پیدا می‌کنید. مردم بیچاره چه گناهی کرده‌اند

که مانع زیارت آن‌ها می‌شوید و گذرنامه و ویزا به آن‌ها

نمی‌دهید؟! من به آن‌ها گذرنامه داده‌ام، ولی کارمندان شما

به آن اعتنایی نکرده‌اند! این چه منطقی است؟!

نوری سعید که متوجه جایگاه و اهمیت والای مرحوم کاشف

الغطاء بود از ایشان نام آن کارمندان را می‌پرسد. ایشان نیز نام

و محل خدمت هریک را به او اطلاع می‌دهد. مثلاً فلانی

در بعقوبه، شخص دیگری در سامرا و یکی دیگر در بغداد و فلان

۲۶..... اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

کارمند هم در خانقین. نوری سعید عنوان و نام آن‌ها را ثبت می‌کند و از مرحوم کاشف الغطاء عذر می‌خواهد که شیخنا ان شاء الله تکرار نمی‌شود. کاشف الغطاء هم با گفتن «بینیم» مکالمه‌اش را خاتمه می‌دهد.

در پی این مکالمه نوری سعید فوراً با وزیر داخلی عراق که در آن زمان خلیل کنه نام داشت تماس می‌گیرد. خلیل کنه که خود از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام بود، در جریان انقلاب عراق و پس از روی کار آمدن حکومت جمهوری در سال ۱۹۵۸ به همراه جمعی دیگر دستگیر شد. در آن تلفن نوری سعید به خلیل کنه دو مطلب را گوشزد کرد. اول اینکه نام کارمندی که مرحوم کاشف الغطاء از آن‌ها شکایت کرده بود را به او داد و گفت که همگی آن‌ها را از محل کار خود به شهر دیگری تبعید کند تا مبدا کاشف الغطاء پیگیری کند و آن‌ها را دوباره در همان جا بیابد. مطلب دیگر اینکه به همه شهرها و مناطقی که در راه زائران ایرانی به عراق هستند، از روستاها و شهرها و قصباتی که

زمستان می‌گذرد و سیاهی به زغال می‌ماند..... ۲۷

در مسیر آنان است اعلام کن با عبور زائرانی که ویزای عراقی یا گذرنامه ایرانی ندارند، ولی نامه‌ای از کاشف الغطاء در دست دارند ممانعت نکنند.

زمستان می‌گذرد و سیاهی به زغال می‌ماند

اربعین امسال، زائران حضرت امام حسین علیه السلام با مشکلی مشابه آن دوران مواجه شدند. خیل عظیم زائران به سوی کربلای معلی شتافته بودند، اما گذرنامه یا ویزا به آن‌ها نداده بودند. این چه دلیل موجهی می‌تواند داشته باشد، حال آنکه امام حسین علیه السلام متعلق به منطقه خاص و یا حتی منحصر به مذهب خاصی نیست؟ امام حسین علیه السلام مالِ دنیاست. از همه جای دنیا مردمانی با ملیت‌ها و آیین‌های مختلف ارادتمند و دوستدار ایشان هستند. به این مناسبت مرحوم کاشف الغطاء در کتابش از یکی از کشیش‌های مسیحی نقل کرده است که به ایشان گفته بود که شیعیان بلد نیستند چگونه از حضرت امام حسین علیه السلام استفاده کنند. اگر امام حسین علیه السلام متعلق به

۲۸..... اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

مسیحیان بود، می دیدید که در هر شهر و روستا و بر هر کوی و برزنی بیرقی را به یاد او برپا می کردند و نام و مذهب او را در همه جای دنیا تبلیغ می کردند.

آری، سخنی راست و سنجیده است؛ چراکه هیچ کسی در دنیا همپایه حضرت امام حسین علیه السلام نیست، حتی چهار معصومی که حضرت سیدالشهدا علیه السلام در فضل آن ها در روز عاشورا چنین فرموده اند: «جدّی خیر منّی و أبی خیر منی و أمّی خیر منّی و أخي الحسن خیر منّی؛ اجدّ من [رسول خدا صلی الله علیه و آله] از من بهتر بود و مادرم از من بهتر بود و پدرم از من بهتر بود و برادرم حسن بهتر از من بود». هیچ کدام از این بزرگواران، با وجود فضل آن ها که حضرت امام حسین علیه السلام بدان معترف است، به این اندازه جهانی نیستند. هیچ کدام اربعینی همچون حضرت سیدالشهدا علیه السلام ندارند. کدام یک از آن ها

زمستان می‌گذرد و سیاهی به زغال می‌ماند..... ۲۹

از روزگار خلفای بنی امیه و بنی العباس و بنی عثمان تا به امروز، این همه با زائرانشان بدرفتاری شده است؟

در این میان ملت عراق شایسته قدردانی‌های بسیارند. همان گونه که اغلب در زیارت اربعین از نزدیک شاهد بودید، بسیاری از آنان با وضع معیشتی نه چندان خوشایند و حتی برخی که آه در بساط ندارند با تمام توان و امکان مالی در پذیرایی و خدمت به زائران حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام می‌کوشند.

امام حسین علیه السلام در کل تاریخ خدا منحصر به فرد است. البته این کلمه مجاز است. تاریخ برای خدای عزوجل معنی ندارد. وجود باری تعالی تاریخ‌مند نیست و فراتر از مفهوم تاریخ است. همان سان که در دعا می‌خوانیم: «تَعَلَّمْ مَا فِي نَفْسِي وَكَلَّا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي»^۱؛ تو از سرائر من آگاهی و من از سرّ تو آگاه نیستم» حال آنکه خدای متعال نفس

۱. سوره مائده، آیه ۱۱۶.

۳۰..... اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

ندارد و این تعبیر بر سبیل کنایه و برای تقریب به ذهن است. کسی همچون امام حسین علیه السلام در دنیا پیدا نمی‌شود که همه مذاهب و ادیان، او را قبول داشته باشند. کیست غیر از امام حسین علیه السلام که خدای عزوجل برای او روضه خوانده باشد، یا اینکه به جبرئیل گفته باشد برای آدم علیه السلام روضه او را بخواند و همینطور برای حضرت موسی علیه السلام. داستان‌هایی که درباره حضرت امام حسین علیه السلام از زمان خلقت آدم علیه السلام تاکنون نقل شده است از هزاران می‌گذرد.

زمستان می‌گذرد و سیاهی به زغال می‌ماند. زائران امام حسین علیه السلام را باید کمک کرد. وای به حال آنان که می‌توانند کمک کنند و نمی‌کنند، بماند آن‌ها که زائران حضرت را اذیت می‌کنند. گناه آنان که قصه دیگری است.

این روایت را بنده بارها دیده‌ام که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که حضرت امام حسین علیه السلام - به ظاهر- هفت سال از عمر مبارکشان گذشته بود، نگاهی به ایشان می‌اندازد و بی اختیار

زمستان می‌گذرد و سیاهی به زغال می‌ماند..... ۳۱

گریه‌اش می‌گیرد. حضرت ﷺ قاعدتاً قصه‌های عاشورا را در نظر داشته بودند. سپس سرشان را بالا گرفتند و چند نفرین کردند. اولین نفرین این بود: «اللَّهُمَّ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ؛^۱ تنها بگذار کسانی را که او را تنها می‌گذارند».

خذلان حضرت سیدالشهدا علیه السلام همان گونه که می‌دانید شامل خذلان زائران ایشان نیز می‌شود. نه اینکه آن‌ها را اذیت کنند. آنکه حسابش جداست. مقصود از خذلان ترک نصرت است. کسانی که می‌توانند به زائران حضرت علیه السلام کمک کنند، اما از این کار خودداری می‌کنند، حضرت را خذلان کرده‌اند و در مقابل به نفرین رسول خدا صلی الله علیه و آله که همان خذلان الهی است گرفتار می‌شوند. این کمک کردن آشکال مختلفی می‌تواند داشته باشد. گاهی کسی با پول خود به زائران کمک می‌کند. گاهی هم خودش پولی در اختیار ندارد، اما می‌تواند قرض بگیرد. هر کدام

۱. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۳۶.

۳۲..... اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

از اینها در حدّ خود ترک نصرت حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کرده‌اند و مرتکب خذلان شده‌اند و نفرین پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گریبانگیر آن‌ها می‌شود: «اللَّهُمَّ أَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ».

برگ‌هایی از جنایات‌های عثمانیان به زائران حسینی

دسته دیگر که به مراتب بدتر از خاذلان حضرت سیدالشهدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستند آنان‌اند که همانند هارون و مأمون که در رفتار خود دورو بودند، و بعدی‌ها مثل متوکل و معتصم و دیگر خلفای جائز بنی عباس، زائران حضرت را علناً اذیت می‌کردند. این موضوع قرن‌ها ادامه داشت. تا حتی در دوره‌های متأخر عثمانی‌ها که دارالخلافه آن‌ها استانبول بود هم بارها با زائران حضرت دشمنانه برخورد می‌کردند و مانع به زیارت رفتن آن‌ها می‌شدند.

مرحوم سید نصرالله حائری - که سادات نصرالهی کربلا به ایشان منسوب هستند - از علمای صاحب نام و فضل بود که حدود دو بیست و شصت، هفتاد سال قبل می‌زیست. بسیاری از علمای مشهور شاگردان ایشان و یا شاگرد شاگردان او بودند. از این

برگ‌هایی از جنایت‌های عثمانیان به زائران حسینی..... ۳۳

دسته سید بحرالعلوم را باید نام برد که مرحوم سید نصرالله حائری استاد استاد ایشان بوده است. از ایشان کتاب‌های شعری هم در رثای حضرت امام حسین علیه السلام در دست است. اشعار زیبای او همچنان بر لبان واعظان عرب زمزمه می‌شود. این سید بزرگوار را برای همین مسائل به ترکیه بردند و اعدام کردند.

یکی دیگر از علمای کربلا نیز حدود صد و پنجاه سال پیش به خاطر زیارت امام حسین علیه السلام به دست عثمانی‌ها دستگیر شد و او را کت بسته به سوی بغداد بردند تا از آنجا او را روانه استانبول کنند که در آن زمان دارالخلافه حکومت اسلامی بود. جرم او هم تبلیغ برای زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بود، الحمدلله عده‌ای از گوشه و کنار به بغداد آمدند و وساطت کردند و توانستند از دست مأموران حکومت عثمانی نجاتش دهند.

قصه امام حسین علیه السلام همواره در تاریخ موضوع نزاع و کشمکش بوده است. عده‌ای بر سر همین داستان اهل بهشت شدند و عده‌ای اهل جهنم و پیروان خط امام حسین علیه السلام

۳۴..... اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

اهل بهشت اند، و کسانی که در خط دشمنان ایشان صف بسته اند ولو در حد کمک نکردن به زائران باشد، جهنمی هستند؛ چراکه پیامبر خدا ﷺ که اشرف اولین و آخرین مخلوقات خداست کسی را که دست از یاری فرزندش امام حسین علیه السلام بکشد، نفرین کرده است. قطعاً خدای متعال نفرین پیامبر صلی الله علیه و آله را محقق می کند، پس وای به حال کسانی که می توانند حضرت را یاری کنند ولی نمی کنند.

در روایت هایی درباره کسانی که زائران حضرت سیدالشهدا علیه السلام را اذیت می کنند، در کتاب هایی چون کامل الزیارات یا بحار الأنوار، آمده است که از جمله تعذیب هایی که در جهنم خدای متعال برای آن ها در نظر گرفته است، تعذیب با مغلات است. مغلات در لغت ماهیتابه را گویند که در آن گوشت و بادمجان و کدو و مانند آن را سرخ می کنند. خدای متعال هر ظالمی را به شیوه ای مجازات می کند و جزایی که برای ظالمان به زوار امام حسین علیه السلام در نظر گرفته است، تعذیب با مغلات است.

مقایسه‌ای میان حج و زیارت کربلا..... ۳۵

از آن سو در روایت آمده است آنانی که به آن‌ها ظلم شده است را در آخرت به لبه جهنم می‌آورند تا دشمنان خود را ببینند که چگونه در آتش دوزخ عذاب می‌کشند. زائران حضرت امام حسین علیه السلام هم که به آن‌ها ظلم شده است به کنار آتش دوزخ آورده می‌شوند و می‌بینند که چگونه دشمنان آن‌ها در مغلات بالا و پایین می‌پرند و این کار از اندوه آن‌ها می‌کاهد.

مقایسه‌ای میان حج و زیارت کربلا

به این مناسبت از مسئله‌ای شرعی یاد می‌کنیم. ناگفته نماند که بیان مسائل شرعی برای مردم واجب کفایی است. فریضه حج برای شخص مستطیع (کسی که استطاعت رفتن به حج را داراست) واجب است، به حدی که در روایت‌ها درباره کسی که علی‌رغم داشتن استطاعت به حج نرفته چنین آمده است که به هنگام مرگ از او سؤال می‌شود: با یهودیان می‌خواهی محشور شوی یا با نصاری؟ یعنی مسلمان از دنیا نمی‌رود. این، سرنوشت کسی است که از فریضه الهی حج سر باز زند. اما زیارت امام حسین علیه السلام بنا به نظر

۳۶..... اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

مشهور فقها واجب نیست، ولی مستحب مؤکد است و اهمیت آن از چندین جهت در نزد خدای متعال به مراتب بالاتر است. یکی از این وجوه اهمیت که محل اجماع فقهاست و اختلافی در آن نیست مسئله خُلُو السَّرْب است. این مسئله بیان می‌کند که اگر کسی استطاعت مالی برای رفتن به حج را دارا باشد، ولی تنها مانعی که او را از رفتن باز می‌دارد ناامن بودن مسیر حج باشد، مثلاً نگران آن باشد که در این مسیر او را بکشند، در صورتی که با وجود این ترس به سفر حج برود حج او معصیت است. چنین شخصی علاوه بر آنکه حج او پذیرفته نمی‌شود گناه نیز کرده است. بنابراین، ورثه‌اش بعداً باید از اموال او برایش حج بگذارند. این نظر مطابق اجماع علمای شیعه است که در کتب فقهی مثل عروة الوثقی و غیر آن تحت عنوان خلو السرب مطرح شده است. مضافاً بر آن نمازهایی که در آن سفر به صورت شکسته خوانده است - اگر وصیت کرده است - باید آن‌ها را قضا کنند؛ یعنی نمازهای شکسته‌اش هم مقبول نیست و باید قضای آن‌ها را به جا آورد.

اما اگر سفر حج با وجود ترس کشته شدن انجام شود و از

مقایسه‌ای میان حج و زیارت کربلا..... ۳۷

حسن حادثه اتفاقی برای حج‌گزار نیفتد و سالم برگردد، بنا به نظر جمعی از فقها - که بنده نیز با آن‌ها هم‌نظرم - حج باطل نیست و اعاده آن لازم نیست. اما باز نمازهای شکسته‌ای که خوانده است باید قضا شوند. بماند که دسته‌ای دیگر از فقها از جمله صاحب عروة الوثقی، مرحوم آقا سید محمد کاظم یزدی بر این نظرند که در حالت دوم نیز حج او باطل است و دیگر بار در صورت استطاعت باید حج به جا آورد. آنچه رفت همه درباره حج بود که فریضه الهی است و انجام آن وجوب دارد و ترک آن عقاب، اما آیا درباره زیارت امام حسین علیه السلام فقیهی پیدا می‌شود از زمان شیخ مفید تا روزگار کنونی که بگویند رفتن به زیارت امام حسین علیه السلام در صورت وجود تهدید جانی حرام است؟ چنین چیزی تاکنون از زبان هیچ فقیهی نقل نشده است. البته مؤکداً تکرار می‌کنم فقیه واقعی و نه کسانی که از فقه بهره‌ای نبرده‌اند و فقط خود را فقیه نامیده‌اند. این دسته دوم همیشه بوده‌اند. در طول تاریخ فراوان از آن‌ها دیده می‌شود. جا دارد کسی آن‌ها

۳۸..... اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

را در کتابی گردآورد و آرای باطل آن ها را نقد کند.

در کربلای معلی از دوران غیبت صغری تاکنون، قریب به هزار و دویست سال، بارها و با به این شهر آمده است و هزاران هزار نفر بر اثر آن جان باختند، اما هرگز فقیهی پیدا نشد که به سبب و با یا مشکلات دیگر رفتن به زیارت کربلا را به سبب خطر مرگ حرام اعلام کند.

از زمان فقهای معروف همچون شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی، علامه حلی، سید بحرالعلوم، صاحب جواهر، آقا سید محمد کاظم یزدی و مرحوم آخوند و غیره فراوان طاعون و وبا در کربلا رواج پیدا کرده است، اما هیچ گاه فتوایی از هیچ یک از این بزرگان در خصوص حرمت رفتن به زیارت صادر نشده است. هرچند زیارت امام حسین علیه السلام همانند حج واجب نیست، اما بنا به نظر مشهور میان فقها، اگر کسی یقین داشت که اگر به زیارت امام حسین علیه السلام برود، کشته می شود، نه تنها رفتن او به زیارت بلامانع است، بلکه اجر و پاداش نیز برای او در

مقایسه‌ای میان حج و زیارت کربلا..... ۳۹

پی خواهد داشت. نمازش هم که در کربلا میان تمام خواندن و قصر مخیر است، مقبول است.

گذشته از همه اینها در روایات از معصوم علیه السلام نقل شده است کسی که در راه زیارت امام حسین علیه السلام کشته شود در اعلیٰ علیین جای خواهد گرفت. این روایت در کامل الزیارات است. کتاب کامل الزیارات از آثار ارزشمند شیعه است که خواندن آن را به ویژه به صورت گروهی و با مشارکت دوستان به همه جوانان عزیز توصیه می‌کنم. قصه اربعین امسال شباهت بسیاری به اوضاع سیاسی زمان مرحوم کاشف الغطاء داشت. ایشان یکی از عالمان صاحب نام آن دوره بود، اما اعلم علما نبود. با این حال نامه‌هایی که به زائران عتبات مقدسه می‌داد همانند اوراق گذرنامه و ویزا در میان دولتمردان حکومت عراق همچون نوری سعید و کارگزارانش مقبول و روا بود. در زمانه ما اگر عالمی برگه کاغذی دست زائری دهد، آیا کارمندان و دست اندکاران امور به آن زائر اجازه سفر می‌دهند؟ در کل جا دارد داستان زندگی

۴۰..... اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

یکایک افرادی که به نحوی در کار زیارت امام حسین علیه السلام و شعائر ایشان کارشکنی می کنند پیگیری شود. در آن صورت در خواهید یافت که چه بلاهایی در زندگی بر سرشان آمده است و به چه مشکلاتی دچار شده اند.

خدای متعال غفار و تواب است. داستان های فراوانی را تاریخ در این باره دارد. از جمله حدیثی قدسی در دست است که درباره شخصی در زمان حضرت موسی علیه السلام آمده است که عمری را به شرابخواری و معصیت خدا گذرانید. در اواخر عمر و پیش از مردن توبه کرد و خدای متعال نیز از گناهان او گذشت و توبه اش را پذیرفت. خدا بارها وعده کرده است که گناهکاران را می آمرزد. «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا؛^۱ و به یقین من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته نماید». خدای متعال گناه گناهکاران را اگر توبه

۱. سوره طه، آیه ۸۲.

مقایسه‌ای میان حج و زیارت کربلا..... ۴۱

کنند، می‌آمزد، حتی اگر در آخرین روز حیاتشان باشد. اما در قصه امام حسین علیه السلام چنین نیست و از سر گناه کسانی که به هر نحوی به امام حسین علیه السلام ظلم کرده‌اند در نخواهد گذشت.

خوشا به حال آنان که در راه زیارت امام حسین علیه السلام متحمل سختی‌ها شدند و آنان که بیشتر اذیت شدند، طبعاً بیشتر باید به آنان حسرت خورد؛ اینها همه مضمون روایت‌های معصومین علیهم السلام است. و بدا به حال آنان که زائران حضرت علیه السلام را اذیت کردند. بنا به فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله اینان مشمول لعنت ایشان خواهند بود. نیز کسانی که به هر نحوی از یاری زوار دست کشیدند، مثلاً می‌توانستند پولی به آن‌ها قرض بدهند و ندادند و یا حتی برای آن‌ها قرض بگیرند - در صورتی که استطاعت پرداخت آن قرض را داشته‌اند - و این کار را نکردند.

قرآن ما را به پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله امر کرده است، آن‌گاه که فرمود: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ اِقْتَعَا

۴۲..... اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست».

در تاریخ زندگانی حضرت رسول ﷺ مواردی که از قرض گرفتن حضرت گزارش شده است به یک مورد و دو مورد محدود نمی‌شود. حضرت بارها و عموماً برای امور خیر همچون کمک به فقرا و نیازمندان قرض می‌گرفتند. در مواردی هم برای استیفای قرض خود مجبور می‌شدند که دوباره قرض بگیرند. مقداری از قرض‌های حضرت هم در دوران حیاتش استیفا نشد و حضرت امیر مؤمنان (علیه السلام) پس از شهادت ایشان آن‌ها را به صاحبانشان داد.

در روایت است که امیر مؤمنان حضرت علی (علیه السلام) به مدت هفت سال در موسم حج در منا، که محل تجمع حاجیان بود، ندا سر می‌داد که هرکس قرضی از پیامبر ﷺ دارد، بیاید تا بدهی‌اش را به او پردازم. به این ترتیب افراد زیادی آمدند طلب خود از پیامبر ﷺ را گرفتند. از راستی یا نادرستی ادعای طلبکاران پیامبر ﷺ دیگر اطلاعی در دست نیست. مهم آنکه

مقایسه‌ای میان حج و زیارت کربلا..... ۴۳

بدهی‌های پیامبر ﷺ پس از ایشان همگی به دست حضرت امیر مؤمنان علیه السلام به صاحبانشان باز پس داده شد. شاهد سخن اینجاست که پیامبر ﷺ سرمشق ما در همه شئون است. آیا در اجرای زیارت اربعین سزاوار نیست که ما نیز به پیروی از شیوه او قرض بگیریم و قرض بدهیم، حتی اگر پرداخت آن‌ها در طول یکسال ممکن نشود و به قرض‌های دیگر نیز بکشد؟

اربعین امسال گذشت، اما چگونه؟! امیدوارم دیگر این حوادث ناگوار در زیارت اربعین حسینی تکرار نشود. حیف است کسی نام خود را شیعه بگذارد و فردای قیامت او را به جهنم ببرند و در مغلات بیندازند! آری، واقعاً حیف است که شیعه به چنین سرنوشت شومی گرفتار آید. اگر کسی خدای ناکرده دشمن امام حسین علیه السلام باشد، لایق‌تر است به آتش جهنم و شکنجه شدن در مغلات. هر چند که چنین افرادی اندک شمارند؛ زیرا حتی در میان ناصبیان هم کم نیستند کسانی که به امام حسین علیه السلام محبت می‌ورزند.

ترویج خطبه حضرت زهرا علیها السلام

مناسبت مهم دیگر سالروز شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. در آغاز سخن اشاره ای رفت به سخنان حضرت زهرا علیها السلام که پس از شهادت پدر بزرگوارشان و ظلم های بسیاری که بر ایشان و حضرت امیرمؤمنان علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام شد، در مسجد ایراد فرمودند. سخن ایشان با معرفی خود و جدّ بزرگوارش این گونه آغاز شد: «اعلموا أنّی فاطمة، وأبی محمد؛ بدانید که من فاطمه هستم و پدرم محمد است». خطبه حضرت همان گونه که رفت انباشته از مطالب مهم و ارزشمند است. وظیفه مهم تبلیغ و شناساندن آن به مردم دنیا در گام نخست متوجه شیعیان کشورهای اسلامی و جوانان آنهاست و در گام بعدی شیعیان دیگر نقاط دنیا - که الحمدلله امروزه در دنیا شمار آنها به میلیون ها نفر هم رسیده است - می باشد. آنان موظف اند

ترویج خطبه حضرت زهرا.....۴۵

در تبلیغ و ترویج این خطبه کوشش کنند و جوانان را به حفظ و یادگیری آن تشویق نمایند و حتی جوایزی را در قبال حفظ آن به جوانان و نوجوانان بدهند.

خطبه به زبان عربی است و بسیاری از مردم دنیا با این زبان آشنایی ندارند. از این رو ترجمه چنین خطبه مهمی از ضروریات اجتناب ناپذیر است، لذا جوانان توانمند و باسوادی که توانایی ترجمه آن را به زبان‌های زنده دنیا دارند، باید در اجرای این مهم آستین همت بالا زنند. چکیده‌ای از عقاید و احکام اسلام و فلسفه احکام و حتی فشرده‌ای از محتوای کل آیین اسلام در این خطبه نمایانگر است.

به خاطر دارم که خیلی پیش، کتابی خواندم با عنوان الکتاب المقدس تحت المجهر. منظور کتاب انجیل و تورات است. مجهر هم یعنی ذره بین. از جمله مطالب درخور توجه در این کتاب این بود که در آن نوشته است که انجیل بیش از شش هزار بار در دنیا ترجمه شده است. رقم فوق العاده بزرگی است و تصور آن دشوار است. سؤال اینجاست آیا سزاوار نیست که خطبه حضرت زهرا عليها السلام

۴۶ اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

که از حد و حدود جزوه‌ای کم برگ فراتر نیست، به زبان‌های زنده دنیا ترجمه و در سراسر دنیا پخش شود؟! آیا نمی‌شود آن را در شبکه‌های ماهواره‌ای نشر و ترویج کرد؟! البته که می‌شود. می‌توان فراوان درباره آن در شبکه‌های ماهواره‌ای و تلویزیونی برنامه ساخت و در توضیح آن سخن راند.

می‌توان از صفر شروع کرد و تلاش کرد و تلاش کرد تا بتوان از راه ترجمه و نشر این خطبه همه مردم دنیا را با مفاهیم محتوای بلند آن آشنا کرد.

منافقان از عواملی بودند که در جای جای تاریخ پیامبر ﷺ به چشم می‌خورند و به انحاء مختلف به اسلام ضربه زدند. ایشان همانند دیگر مسلمانان نماز می‌خواندند و روزه می‌گرفتند و حج می‌رفتند. حتی در کنار مسلمانان در جهاد هم شرکت می‌کردند. در یکی از جنگ‌های دفاعی که حضرت پیامبر ﷺ هم در آن شرکت داشتند و اتفاقاً در ماه مبارک رمضان پیش آمد، حضرت امر کرده بود که چون برای دفع دشمن به سفر رفته‌اند روزه‌شان را بشکنند. منافقان که همواره نغمه ناساز داشتند و به هر شیوه در پی

معضلات ازدواج و طلاق..... ۴۷

کارشکنی و مخالفت بودند در اینجا زبان اعتراض گشودند که به چه دلیل باید روزه خود را بشکنیم و... در روایت نقل شده است که حضرت درباره آنان فرمود: «أُولَئِكَ الْعَصَاةُ، أُولَئِكَ الْعَصَاةُ، أُولَئِكَ الْعَصَاةُ؛ آن ها نافرمانان هستند، آن ها نافرمانان هستند، آن ها نافرمانان هستند». آری، این گونه منافقان از فرمان پیامبر ﷺ سرپیچی می کردند، با آنکه با ایشان نماز می خواندند و سخنرانی های پیامبر ﷺ را هم گوش می کردند.

معضلات ازدواج و طلاق

یکی از مسائل شایع در زمانه ما مسئله طلاق است. طلاق چنان رواجی یافته است که یافتن ریشه و علت آن کار ساده ای نیست. خلاصه آنکه در این زمینه همه مقصرند. هرکسی باید در حدّ خود تلاش کند که در فامیل و آشنایان خود از طلاق جوانان جلوگیری کند؛ حال این طلاق در آغاز ازدواج و آشنایی زوجین باشد، یا پس

۴۸ اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

از گذشت سالیانی و بیچه دار شدن و یا در سال‌های بعدی. میانجیگران هم ملاحظاتی در کار خود دارند. مهم آنکه باید با میانجیگری و صحبت کردن با طرفین، مشکلات و ناراحتی‌ها را برطرف کرد و به جریان زندگی مشترک آن‌ها دوام داد.

بنده خود به یاد دارم که در زمان مرحوم اخوی در کربلای معلی ده نفری از کسبه و محترمین بودند که در آشتی دادن و میانجیگری شهره بودند. اینها هنگامی که مغازه‌های خود را می‌بستند یکسره به دنبال آشتی دادن و پا در میانی میان مردم، از جمله افرادی بودند که کارشان به طلاق کشیده بود.

موضوع اجتماعی دغدغه‌آفرین دیگر، بالا رفتن سن ازدواج است. در گذشته ازدواج خیلی آسان تر بود و طبیعتاً سن ازدواج هم پایین تر بود. دخترها قبلاً در سن ده سالگی هم ازدواج می‌کردند، اما امروزه به بیست و حتی بالاتر هم رسیده است. خوب این موضوع مشکلات و دشواری‌های فراوانی را برای جوانان، چه دختر و چه پسر به وجود می‌آورد. خدای ناکرده ممکن است در دامن فساد بیفتند و یا دچار بیماری‌های روانی و غیر آن شوند.

معضلات ازدواج و طلاق..... ۴۹

اصلاح این امور طبعاً وظیفه‌ای عمومی است و همگان در حدّ خود در برابر آن مسئول‌اند. گاهی بالا بودن مهریه‌ها به دشواری‌های ازدواج می‌افزاید. تهیه اسباب زندگی و جهیزیه و خانه و امور دیگر هم مزید بر علت است. به هر حال این مسائل و مشکلات در جامعه هست و به طور مستقیمی بر ازدواج جوانان سایه افکنده است. این دشواری‌ها می‌طلبند که در این موضوع ورود گسترده شود و به کمک جوانان آمده و آن‌ها را به ویژه در امر ازدواج یاری کرد. حال از کمک مالی و تهیه مایحتاج زندگی گرفته تا وساطت در اموری مثل کاستن از نرخ مهریه‌ها. به هر روی این کار اثر می‌گذارد، اگر به طور متوسط بر همه اثر نگذارد، از هر ده نفر بر پنج نفر اثرگذار خواهد بود. آیا بیمارانی که به پزشکان مراجعه می‌کنند همگی شفا می‌یابند؟ البته که چنین نیست. در میان بیماران خیلی‌ها از مراجعه به دکترها جواب نمی‌گیرند. در مسئله ازدواج و رفع مشکلات جوانان هم وضع به همین شکل است. اگر در همه موارد مؤثر نباشد، مواردی هم که مفید واقع می‌افتد اندک نیستند. پس همگی در حدّ توان

۵۰..... اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

باید در این دو مسئله بکوشند و وقت صرف کنند و مشکلات را تحمل کنند؛ یکی مسئله طلاق است و دیگری ازدواج.

البته نباید از جایگاه اثرگذار حکومت‌های اسلامی در حل دو مشکل فوق، به ویژه ازدواج جوانان غفلت کرد. دیدگاه عامه مذاهب اسلامی، نه فقط شیعیان بر این است که اگر جوانی قصد ازدواج داشته باشد، ولی مشکلات مالی مانع او شوند، بر حاکم اسلامی، یعنی کسی که اموال بیت المال مسلمانان نزد او جمع می‌شود، است که از بیت المال هزینه ازدواج او را فراهم آورد. اگر هم آن جوان به دلیل ناتوانی مالی ازدواج نکند و به این دلیل به معصیت بیفتد، گناه او گردن همان حاکم اسلامی است که اسباب مادی ازدواج را برای او فراهم نیاورده است، «فعلی الإمام إثمه». البته گفتنی است که در این روایت‌ها منظور از امام، نه امام معصوم در باور شیعیان است. امام بر دو معنا به کار می‌رود. مثلاً منظور از امام در آیه «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ»^۱ امام معصوم نیست، بلکه کسی است که

۱. سوره قصص، آیه ۴۱.

حسینیه‌ها را مدرسه کنید.....۵۱

مردم از او پیروی می‌کنند. حال ممکن است بر حق نباشد و آنان را به گمراهی بکشاند.

ازدواج جوانان تنها بر دوش حاکمان نخواهد بود. اگر آنان به این واجب بی توجهی کنند، وظیفه عموم مردم است که آبرومندان و نه به شکل ناپسند، در این امر کمک کنند. این سنت پیامبر خدا ﷺ است. پس باید تلاش کرد که ازدواج‌ها بیشتر و آسان‌تر صورت گیرد و شمار طلاق‌ها کاهش یابد.

حسینیه‌ها را مدرسه کنید

این مطلب را به همه مردم دنیا که صدای من را می‌شنوند، چه در داخل و چه خارج از کشور اسلامی اعلام می‌کنم که تلاش کنند حسینیه‌ای بر حسینیه‌های دنیا بیفزایند. ساختن حسینیه البته هزینه و زحمت بسیار دارد و برای خیلی‌ها کار ساده‌ای نیست که در یک سال و دو سال بنا شود، ولی اگر آستین همت بالا بزنند عاقبت روزی موفق به ساختن و احداث آن می‌گردند. قریب به چهل سال پیش عده‌ای از یکی از شهرهای ایران که

۵۲..... اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

هنوز نام آن را به خاطر دارم، خدمت مرحوم اخوی (آیت الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ) آمدند و از ایشان درخواست مساعدتی برای احداث حسینیه‌ای در شهر خود کردند. در آن زمان منطقه آنان حسینیه نداشت. بنده هم هنوز در خدمت اخوی نبودم، ولی این افراد را بعدها دیدم و قصه را از زبان آنان شنیدم. مرحوم اخوی یک صد تومانی از جیب خود بیرون می‌آورد و به آن‌ها می‌دهد. در آن زمان - حدود سی و پنج یا چهل سال پیش - با صد تومان شاید می‌شد دو کیلو گوشت تهیه کرد. آن افراد صد تومانی را از مرحوم اخوی گرفتند و با چهره‌ای متعجب به ایشان عرض کردند: آقا با صد تومان آیا می‌شود حسینیه ساخت؟! مرحوم اخوی گفتند: آری، با صد تومان بعلاوه همت شما که بر آن می‌افزایید.

این افراد از نزد اخوی رفتند و اندک اندک کوشش کردند، صندوقی تهیه کردند و اموالی برای ساختن حسینیه جمع‌آوری کردند و عاقبت هم موفق شدند و حسینیه را ساختند. حدود ده سال پیش بنده دوباره همان افراد را دیدم و گفتند که صد تومانی

حسینیه‌ها را مدرسه کنید.....۵۳

حاج آقای اخوی برکتی شد برای احداث حسینیه‌ای که الآن نزدیک به چهار، پنج میلیارد تومان ارزش مالی آن است. یک صدتومانی کجا و حسینیه چهار، پنج میلیاردی کجا؟!

خیلی سال پیش بنده در جایی خواندم که در یکی از کشورهای اسلامی مسجدی احداث شد در شکل و شمایل مسجد کوفه که ظاهراً سقف هم نداشت. شاید هم شبیه مسجد سهله بود و کوچک‌تر از مسجد کوفه. بر سر در این مسجد به زبان مردم آنجا نوشته شده بود: «انگار می‌کنم خوردم، انگار می‌کنم پوشیدم». داستان از این قرار بوده است که سازنده این مسجد انسانی تهیدست بوده، ولی همت بلندی داشته است. این شخص که از مال دنیا چیز خاصی نداشته و وضع اقتصادی‌اش هم چندان خوب نبوده است با خود عهد می‌کند که به جای آنکه فلان وعده غذایی خوب و گران را بخورد، چیز ارزان تری را مصرف کند، و نیز به جای آنکه لباس مناسب و در شأن خودش را بخرد با همان لباس‌های معمولی سر کند و یا پوشاکی ارزان تر تهیه کند. به همین شیوه عمل می‌کند

۵۴..... اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

و اموال زیادی را در طول سالیان زندگی اش به جای آنکه برای خودش خرج کند صرف ساختن آن مسجد کرده است. عاقبت پس از گذشت سال‌های طولانی موفق می‌شود آن مسجد را بنا کند و آن جمله را هم که دستور العمل و راهکار او در ساختن آن مسجد بوده است بر سر در آن مسجد می‌نویسد.

پس تا فرصت حیات باقی است حیفاست که آن را در این امور صرف نکنیم. در اهمیت حسینیه‌ها بیان این نکته کافی است که حسینیه به واقع یک مرکزی است هم دنیوی و هم اخروی. به سخن دیگر، منافع حسینیه‌ها نه فقط اخروی است، بلکه در همین دنیا هم مسبب خیر بسیاری هستند. کافی است نگاه کنید به افرادی که در حسینیه‌ها آمدورفت می‌کنند. اینها نه دزدی می‌کنند، و نه آدم ربایی می‌کنند. ترور، خودکشی، و حتی بیماری‌های روانی صعب‌العلاج هم - که امروزه در دنیا فراوان است - در میان افرادی که اهل حسینیه هستند دیده نمی‌شود. این مطلب در عین سادگی اهمیت زیادی دارد.

امروزه مراکز آموزشی و تعلیمی زیادی در دنیا متعهد ترویج و

حسینیه‌ها را مدرسه کنید..... ۵۵

پرورش مردم هستند تا آن‌ها را از درافتادن در امور مذمومی که گفتیم باز دارند و در این زمینه هزینه‌های بسیاری هم صرف می‌شود. حسینیه‌ها خود به خود این کار را می‌کنند، لذا شایسته است که حسینیه‌ها را مراکزی دنیوی و اخروی بدانیم. بر این اساس، متصدیان حسینیه‌ها باید بکوشند که جنبه‌های تعلیمی حسینیه‌ها بیشتر شود. به عبارتی ساده‌تر حسینیه‌ها مدرسه شوند. می‌توان در همین حسینیه‌ها به تعلیم و تربیت دینی پسران و دختران همت گماشت و آنان را با دین و احکام آن آشنا کرد. اخلاق و عقاید اسلامی را از آغاز می‌توان به آن‌ها یاد داد تا مراحل پیشرفته‌تر در سنین بالاتر.

فراموش نشود که تعلیم مسائل اعتقادی و اخلاقی دین، سنت رسول خدا ﷺ و اهل بیت طاهرین ایشان علیهم‌السلام است. از این رو تعلیم عقاید و احکام و اخلاقیات واجب و لازم است. وجوب آن‌ها از نوع کفایی است و تا هنگامی که «من فیہ الکفایة» وجود ندارد، وجوب همگانی دارد، لذا هرکس از عهده مقدمات

۵۶..... اربعین حسینی، گذرگاه بهشت و جهنم

وجود آن برآید، انجام دادن آن بر او واجب است. هرکس در هر جای دنیا که هست باید در ساختن و افزایش شمار حسینیه‌های منطقه خود تلاش کند و دیگر آنکه سعی شود حسینیه‌ها مراکز آموزش دین شوند، حسینیه‌ها را مدارس کنید. سخن آخر، از صمیم قلب از خدای عزوجل درخواست می‌کنم و حضرت بقیه الله الأعظم علیه السلام را شفیع قرار می‌دهم که در تسهیل زیارت اربعین حسینی عنایت ویژه کند تا حوادثی همانند رخدادهای اربعین امسال به دست کسانی که نام خود را شیعه می‌گذارند دیگر بار روی ندهد.

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين